

بررسی فرازوفرودهای پخش یک برنامه سینمایی و بازگشت دوباره آن به تلویزیون

هفت؛ کات، شروع



بهناز شیربانی؛ بهروز افخمی بار دیگر قرار است در مقام مجری قدم به استودیو برنامه تلویزیونی «هفت» بگذارد. این ششمین سری از برنامه تلویزیونی «هفت» است که پس از وقفه‌ای، بار دیگر با آغاز جشنواره فیلم فجر از سر گرفته خواهد شد و بهروز افخمی برای دومین بار به‌عنوان مجری «هفت» انتخاب شده است. او پیش‌تر از مهر ۹۴ تا خرداد ماه ۹۵ به‌عنوان مجری فصل سوم این برنامه مقابل دوربین رفته بود.

اما افخمی ظاهرا برنامه‌های تازه‌ای برای اجرای این کار در سر دارد و گویا قرار است در اجرایش دون‌کیشوت بازی دربیوراد! او در گفت‌وگویی با ایسنا از تغییرات برنامه «هفت» صحبت و تأکید کرده که با خودم فکر کردم امسال که جشنواره تغییراتی کرده، خوب است یک دوره دیگر را هم اجرا کنیم.

این کارگردان سینما با تأیید خبر اجرای برنامه تلویزیونی «هفت» هم‌زمان با چهل‌ویکمین جشنواره فیلم فجر گفت: «این برنامه قرار است به صورت زنده

از شبکه «نمایش» و احتمالا از یک شب پیش از شروع رسمی جشنواره، پخش

شود». افخمی درباره انگیزه‌اش از پذیرش اجرای این برنامه تلویزیونی گفت:

«فکر کردم با جشنواره امسال و تغییراتی که کرده، خوب است یک دوره دیگر

دون‌کیشوت‌بازی دربیوراد. برای برنامه رویکردم همان دون‌کیشوت است و با

آسیاب‌های بادی می‌جنبیم».

فیلم‌ساز درباره جشنواره امسال که حاشیه‌هایی داشته، معتقد است:

«جشنواره فجر یک خصوصیت پیش‌بینی‌ناپذیر دارد که باعث می‌شود راحت

نتوان درباره آن نظر داد؛ مثلا نمی‌دانم تعداد فیلم‌سازهای اول چقدر است؛ ولی

همیشه اینها باعث حیرت می‌شوند و قوانین بازی را عوض می‌کنند».

برنامه‌های سینمایی و هنری تلویزیون به شکل مستمر روی آنتن نبوده است

مازیار معاونی، منتقد، در گفت‌وگو با «شرق» به سال ۱۳۸۹ و آغاز برنامه

سینمایی «هفت» و رویکرد متفاوت این برنامه اشاره کرد و گفت: «وقتی قرار شد

چنین برنامه‌ای راه‌اندازی شود، از ابتدا نوید ساخت یک ۹۰ سینمایی مطرح شد؛

یعنی مشابه برنامه‌ای که عادل فردوسی‌پور در ورزش فوتبال پایه‌گذاری کرده

بود. برنامه ۹۰ از یک برنامه خنثی و خبری صرف فراتر رفت و مباحث بسیاری را

به چالش می‌کشید و زوایای تاریک را روشن می‌کرد. برنامه‌ای بود که مخاطبان

خاص خودش را داشت و تا زمانی که روی آنتن بود، مورد اقبال مخاطبان قرار

گرفت. صحبت از این بود که یک نسخه سینمایی مشابه برنامه ۹۰ را با طراحی،

اجرا و تهیه‌کنندگی فریدون جیرانی شاهد باشیم که اواخر زمستان ۸۹ این اتفاق

افتاد. زمانی که برنامه «هفت» با اجرای فریدون جیرانی روی آنتن رفت، با توجه

به سابقه روزنامه‌نگاری و مقبولیت او به‌عنوان یک فیلم‌ساز و اینکه بدون شک او

تاریخ شفاهی سینمای ایران را خوب بلد است و از همه مهم‌تر دست‌اندرکاران

حرفه‌ای سینما برای او ارزش و احترام قائل‌اند، به احترامش در برنامه حاضر

می‌شوند و در مباحث شرکت می‌کردند.

این موارد در نکات مثبت اجرای برنامه از سوی فریدون جیرانی بود و اگر از

عاقبت‌طلبی و محافظه‌کاری‌های او صرف‌نظر کنیم که بخش زیادی از آن به

دلیل حضورش در تلویزیون بود و نمی‌توانست آن‌طور که باید و شاید به همه

مباحث ورود کند؛ چراکه مختصات خاصی در هنر نمایش وجود دارد و تفاوت

آشکاری که با بحث ورزش پیدا می‌کند. فکر می‌کنم دوره طلایی برنامه «هفت»

را می‌توان همان زمان دانست. به هر حال دیدیم که فریدون جیرانی وقتی تا

حدی از خطوط محافظه‌کارانه‌اش عدول و در مقابل برخی مسائل ایستادگی

کرد و نقطه‌نظر غیرعاقبت‌طلبانه‌ای را از خودش بروز داد، بلافاصله برنامه از او

گرفته شد و به دوره دوم رسید که محمود گبرلو اجرای آن را برعهده گرفت».

او در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «با احترامی که برای محمود

گبرلو قائل هستم، فکر می‌کنم کاریزمای اجرای برنامه «هفت» و البته مقبولیت

و اعتبار فریدون جیرانی را نداشت. به هر حال برنامه با مخاطب محدود ادامه

پیدا کرد و در زمان اجرای برنامه از سبوی او «هفت» افول زیادی کرد. در چند

ماه اول به واسطه اعتباری که فریدون جیرانی به برنامه داده بود، «هفت» ادامه

پیدا کرد؛ اما در مدت دوسال و نیمی که محمود گبرلو مجری برنامه بود، «هفت»

محبوبیتش را تا حد زیادی از دست داد؛ اما نکته مثبت برنامه در آن سال‌ها این

بود که به شکل مستمر روی آنتن می‌رفت، برنامه‌ای که بخشی از تولیدش در

زمان عزت‌الله ضرغامی بود و نیم دیگر آن در زمان محمد سرفراز. به هر حال

بعد از مدتی برنامه را به همان شکلی که از فریدون جیرانی گرفته بودند، از

محمود گبرلو هم گرفتند. به طوری که خودش هم غافلگیر شد و ناراحتی‌اش

را در مصاحبه‌هایی اعلام کرد».

معاونی انتخاب بهروز افخمی به‌عنوان مجری «هفت» را یکی از دوره‌های

عجیب برنامه توصیف می‌کند. «زمانی که بهروز افخمی اجرای «هفت» را

برعهده گرفت، مقبولیتش را به‌عنوان فیلم‌ساز داشت. آثار خوبی از او در سینما

دیده بودیم؛ اما به نظر به‌عنوان فردی که سینما را دنبال می‌کنم، می‌توانم

بگویم نوعی نگاه طعنه‌آمیز و کنایه‌آمیز در رفتارش دیده می‌شد. رفتار او مقابل

دوربین چه در برنامه‌های ضبط‌شده یا زنده خطاب به برخی از فیلم‌ها و برخی از

جریانات سینمایی از مقبولیت برنامه کم کرد و حس خوبی را به مخاطب منتقل

نمی‌کرد. با وجود اینکه علی‌اصغر پورمحمدی که آن زمان مدیریت شبکه سه را

برعهده داشت، از برنامه دفاع کرد. مقصودم این است که بهروز افخمی در آن

دوره پشتوانه خوبی در تلویزیون داشت؛ اما نوع نگاهش در برنامه متفاوت بود

و وجه احترام‌برانگیزی که فریدون جیرانی ایجاد کرد و حتی محمود گبرلو ادامه

داد، در او دیده نمی‌شد و دیدیم که بار دیگر از مسعود فراستی به‌عنوان منتقد

در برنامه استفاده کردند. منتقدی که فقط در دوره محمود گبرلو در «هفت»

نمود. همه ما به وسعت دانش تئوریک مسعود فراستی آگاهی‌ام؛ اما نگاه تند و تیز

فراستی در کنار رویکرد طعنه‌آمیز بهروز افخمی به‌عنوان گرداننده برنامه ترکیب

خوبی را شکل نمی‌داد. در مجموع طی سه سالی که بهروز افخمی اجرای

برنامه را عهده‌دار بود، گرچه برنامه شاید نسبت به زمان محمود گبرلو مخاطب

بیشتری داشت؛ ولی حس‌وحال خوبی را به مخاطبان سینما منتقل نمی‌کرد».

تداوم‌نیافتن برنامه «هفت» ازجمله نکاتی است که معاونی آن را

پاشنه‌آشیل آن می‌داند و معتقد است: «برخلاف برنامه ۹۰ که به نوعی «هفت»

از آن الگوبرداری شد، به واسطه اینکه فوتبال در ماه‌هایی مخاطب کمتری دارد

و نبودن برنامه ورزشی روی آنتن منطقی است؛ ولی درباره برنامه «هفت»

در مدت ۱۲ سالی که از آغاز برنامه گذشته، قطع و وصل بسیار شدیدی را

شاهد بودیم».

او ادامه داد: «این تداوم‌نداشتن شاید ناشی از تغییرات مدیریتی بوده یا

ناهماهنگی‌هایی که درون خود سازمان اتفاق افتاد؛ اما هنر تعطیل‌بردار نیست.

بسیاری از اوقات «هفت» برای ماه‌های متمسادی روی آنتن نبوده و از کندکتور

ذهنی بیننده خارج شده و جایگاه خودش را از دست داده است. گاهی نزدیک

جشنواره نگاهان به یاد برنامه می‌افتند و مثلا در دقیقه نود رضا رشیدپور را

مجری معرفی می‌کنند. به هر حال می‌بینیم که مدت‌هاست از اجرای نسخه

افول‌کرده برنامه «هفت» که محمدحسین لطیفی اجرای آن را برعهده

داشت، خبری نبود. گرچه فکر می‌کنم زمان حضور محمدحسین لطیفی در

«هفت» یکی از بدترین و نازل‌ترین دوره‌های برنامه را شاهد بودیم. به‌عنوان

یک کارگردان که بیشتر در سینمای تجاری کار کرده، خاطرات خوبی از خود

به یادگار گذاشته و محبوبیتی نسبی دارد؛ ولی برنامه در زمان او رنگ و بو و

خاصیت خودش را از دست داد. دیگر برنامه تأثیرگذاری که مخاطبان خاص

و علاقه‌مندان سینما برایش لحظه‌شماری می‌کردند و خاطرشان بود این

برنامه جمعه‌شب‌ها از شبکه سه پخش می‌شود، نبود. ماه‌ها برنامه «هفت»

روی آنتن نبود و بار دیگر در دقیقه نود و نزدیک به جشنواره از روی آنتن رفتن

دوباره این برنامه صحبت به میان آمده است و احتملا باید خیلی زود دکوری

برای آن آماده و استودیویی راه‌اندازی شود که ایام جشنواره با این برنامه

سیری شود. در این‌میان مشخص نیست بعد از این مقطع چه اتفاقی خواهد

افتاد. آیا قرار است بهروز افخمی به «هفت» برگردد و با همان رویکرد سابق

ادامه بدهد؟ یا قرار است در ادامه از فرد دیگری به‌عنوان مجری استفاده

شود؟ البته بعید است بهروز افخمی بتواند از آن خمیرمایه شخصیتی خودش

در این سن و سال عدول کند و فکر می‌کنم حضور او در این برنامه خیلی

به صلاح سینمای ایران نیست».

معاونی در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «به هر حال فکر می‌کنم

یک برنامه تلویزیونی صرف‌نظر از اینکه شروط مالی دارد و آن متعلق به نهاد

سازنده‌اش است، یک حقوق معنوی هم دارد که به برنامه‌ساز و ایده‌پرداز

آن برمی‌گردد و فکری می‌کنم در این مورد آن‌چنان که برنامه ۹۰ با اسم عادل

فردوسی‌پور گره خورده، درباره برنامه «هفت» هم حق را برای فریدون جیرانی

تا همیشه قائل هستیم. وقتی برنامه‌ای از برنامه‌ساز اولیه که طراح آن هم

بوده، گرفته و حتی دیگر از او مشاوره‌ای هم گرفته نمی‌شود. به نظر برنامه

وارد مسیر سنگلاخی می‌شود که خیلی سخت می‌تواند دوباره به مسیر اولیه

بازگشت داده شود».

او در پاسخ به این پرسش که ساخت برنامه‌های سینمایی از این دست در

رسانه ملی تا چه اندازه احساس می‌شود؟ گفت: «سینما پدیده تأثیرگذاری

است. در سطح کشور خودمان پر مخاطب‌ترین مدیوم هنری است. هرچند که

در این‌میان تلویزیون مخاطبان گسترده‌تری دارد؛ چراکه دسترسی به آن آسان‌تر

است. در مقابل، سینما پدیده‌ای است که مخاطب برای آن هزینه می‌کند؛

بنابراین وزن و اعتباری که میان عامه مخاطبان جامعه دارد، نشان‌دهنده

ارزش آن است و طبیعی است که رسانه‌ای مثل تلویزیون هم که مأموریت

و مسئولیت‌های مختلفی برایش تعریف شده، که یکی از آنها پرداختن به

مدیوم‌های نمایشی ازجمله تئاتر، سینما، موسیقی، هنرهای تجسمی و… است

به نظر وظیفه‌ای انکارناپذیر و اجتناب‌ناپذیر در مقابل سینما دارد؛ آن‌هم در

کشوری که تلویزیون کابلی و خصوصی نداریم و باید تلویزیون چنین مأموریت

و مسئولیتی را برای خودش قائل باشد. اینکه اساسا به چه شکل به سینما

ننگاه می‌کند و فرازوفرودهای مدیریتی چه تأثیری در این موضوع ایجاد می‌کند،

موضوعی جداست. متأسفانه در دهه‌های گذشته هیچ وقت برنامه‌های

سینمایی و هنری تلویزیون به شکل مستمر روی آنتن نبوده. اینجا فقط بحث

برنامه «هفت» مطرح نیست.

در سال‌های گذشته برنامه‌های دیگری ازجمله «آن روی سکه» و «هنر هفتم»

که پنجشنبه‌شب‌ها با اجرای دکتر اکبر عالمی روی آنتن می‌رفت را داشتیم تا

همین سال‌های اخیر که برنامه‌هایی از این دست روی آنتن می‌رفت. به نظر

یک برنامه‌ریزی مستمر برای ساخت و پخش برنامه‌هایی از این دست وجود

ندارد. باز هم تأکید می‌کنم با وجود اینکه ساخت و پخش چنین برنامه‌هایی در

مأموریت ذاتی تلویزیون است و به نظرم پرداختن به چنین موضوعات مهمی

اجتناب‌ناپذیر است».

اخبار برگزیده

یکر پیش کسوت عرصه دوبله به خاک سپرده شد

ایسنا: مراسم تشییع و خاکسپاری شهروز ملک‌آرایی، پیش‌کسوت عرصه دوبله، صبح روز گذشته دوم بهمن با حضور اهالی دوبله و پیش‌کسوتان این عرصه در قطعه هنرمندان بهشت زهرا(س) برگزار شد. منوچهر والی‌زاده، سعید شیخ‌زاده، اکبر منانی، تورج نصر و بسیاری از اهالی دوبله در این مراسم شرکت کردند.

مجلسس ترحیم این هنرمند عرصه دوبله نیز روز سه‌شنبه (چهارم بهمن) از ساعت ۱۵ تا ۱۶:۳۰ بعدازظهر در مسجد جامع شهرک غرب برگزار خواهد شد. شهروز ملک‌آرایی پیش‌کسوت عرصه دوبله شامگاه پنجشنبه (۲۹ دی‌ماه) در بیمارستان درگذشت. شهروز ملک‌آرایی متولد ۱۳۲۰ در ملایر بود. این دوبلور باسابقه، تحصیلات ابتدایی و راهنمایی خود را در تهران به اتمام رساند. پس از مدتی به اسماعیل مهرتاش جهت حضور در فعالیت‌های فرهنگی و هنری جامعه تئاتر باربد معرفی شد. در آنجا ابتدا رشته آواز و سپس بازیگری تئاتر را در پیش گرفت. از نقش‌گویی‌های برجسته و محبوب وی می‌توان از شخصیت کاپیتان لینچ در کارتون ماجراهای کالیور، جان‌کوچولو در رابین‌هود و آقای ووپی در کارتون تنسی تاکسیدو نام برد.

اعلام تاریخ برگزاری جشنواره فیلم فجر در استان‌ها

مسعود نجفی، مدیر روابط‌عمومی جشنواره فیلم فجر، خبر داد از ۱۷ تا ۲۳ بهمن فیلم‌های این رویداد در ۳۱ استان کشور به نمایش درخواهد آمد و فروش بلیت‌ها به صورت آنلاین خواهد بود. او با بیان اینکه در این دوره پردیس ملت میزبان اهالی رسانه است، افزود: اهالی رسانه امسال استقبال خوبی داشتند و هزار و ۵۱۲ نفر شامل نمایندگان خبرگزاری‌ها و پایگاه‌های خبری، رسانه‌های مکتوب، برنامه‌های رادیویی، تلویزیونی و برخط و رسانه‌های خارجی برای حضور در جشنواره ثبت‌نام کردند. بررسی‌ها هم طبق آیین‌نامه این بخش انجام شد و صدور کارت‌ها برای افراد حائز شرایط به پایان رسیده و از دوشنبه همین هفته توزیع کارت‌ها آغاز خواهد شد.

او افزود: علاوه بر فیلم‌های بخش اصلی جشنواره که در چهار سالن به صورت هم‌زمان به نمایش گذاشته خواهد شد، فیلم‌های بخش بین‌الملل، کوتاه و مستند هم در سالن‌های دیگر به نمایش درخواهد آمد. سائلی را هم به تکرار فیلم‌های سودای سیمرغ اختصاص داده‌ایم. همچنین نشست‌های پرسش و پاسخ هم در پردیس سینمایی ملت برگزار می‌شود. ضمن اینکه امکان حضور خبرنگاران در برج میلاد برای گفت‌وگو و تهیه گزارش از بخش بین‌الملل جشنواره فراهم است. نجفی با بیان اینکه امسال برنامه‌ریزی وسیعی برای نمایش فیلم‌ها در استان‌ها شده است، گفت: از ۱۷ تا ۲۳ بهمن فیلم‌های جشنواره فجر در ۳۱ استان کشور به نمایش درخواهد آمد و فروش بلیت‌ها به صورت آنلاین خواهد بود. مدیر روابط عمومی جشنواره فیلم فجر در پاسخ به وحید رونقی، مجری برنامه که اعلام کرد اطلاع‌رسانی‌های جشنواره بیشتر از سوی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی صورت گرفته است، توضیح داد: وقتی شخص اول فرهنگ و هنر کشور درباره مهم‌ترین رویداد فرهنگی و هنری کشور مورد سؤال قرار می‌گیرد و ایشان هم پاسخ‌گو هستند، نشان از اهمیت و اعتبار این جشنواره دارد.

اساسنامه «خانه سینما» به‌زودی تغییر می‌کند

مهر: شهروبر سال ۱۴۰۱ شانزدهمین هیئت‌مدیره خانه سینما به ریاست محمدمحمدی عسکریور معرفی شد. هرچند چهار ماه از این انتخابات می‌گذرد، اما همچنان مدیرعامل جدیدی برای خانه سینما معرفی نشده است. این در حالی است که طبق پیگیری‌های انجام‌شده، هیئت‌مدیره خانه سینما همچنان به دنبال یک گزینه مناسب برای این پست کلیدی در سینمای ایران هستند. البته این نکته را هم باید یادآور شویم که طبق اساسنامه خانه سینما، رئیس هیئت‌مدیره می‌تواند تا زمانی که مدیرعامل خانه سینما معرفی شود، عهده‌دار وظایف وی در خانه سینما باشد.

نکته درخوری که مدتی است در خانه سینما مرکز توجه قرار گرفته، تغییر اساسنامه این نهاد صنفی است. در واقع آخرین اساسنامه‌ای که در حال حاضر توسط هیئت‌مدیره خانه سینما اجرائی می‌شود، در تاریخ ۱۵ مهرماه سال ۱۳۹۶ در ۵۷ ماده و ۲۹ تبصره به تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده خانه سینما رسید. حالا بعد از گذشت تقریبا ۱۰ سال از تصویب این اساسنامه، قرار است دوباره اساسنامه جدیدی برای ادامه کار به تصویب برسد. بر همین اساس، قرار است فردا، دوشنبه سوم بهمن، جلسه‌ای با حضور رؤسای صنف خانه سینما برگزار شود تا اساسنامه پیشنهادی مورد بررسی قرار گیرد.

در دعوت‌نامه‌ای که در اختیار رؤسای صنف خانه سینما قرار گرفته، آمده است: «رؤسای محترم صنف، چنانچه مطلع هستید متن اساسنامه پیشنهادی خانه سینما که توسط کارگروه تدوین و اصلاح اساسنامه نوشته شده بود، برای دریافت نظرات به صنف ارسال شده است و پس از فرصت یک ماه نظرات برخی از صنف دریافت شده است. بر این اساس از شما و با نماینده صنف دعوت می‌شود در جلسه روز دوشنبه سوم بهمن‌ماه ساعت ۱۷ در ساختمان خیابان بهار، برای تصمیم‌گیری درباره اساسنامه پیشنهادی شرکت کنید».

چشم‌انداز بلندمدت را گروه پیشرویی از کارآفرینان، مدیران و مالکان برای گزینش فناوری، بازارها و سازگاری‌های نهادی، با هدف بهبود عملکرد تعریف کرده بودند». درواقع بازگشت کنشگران نشان داد «برای هیچ‌یک از مشکلات خاص در بنگاه‌داری، راه‌حل خودکاری وجود ندارد و همیشه یک انتخاب

بین دو یا چند امکان وجود دارد».

۲) امکانات تاریخ فرهنگی برای تاریخ بنگاه‌داری

رونق چشمگیر تاریخ فرهنگی از دهه ۱۹۸۰ تأثیر روزافزونی بر تاریخ بنگاه‌داری داشته است. این رونق باعث شد تاریخ بنگاه‌داری از استبداد اثبات‌گرایسی که اغلب آن را محدود به واقعیت‌ها و نتایج و عملکردها کرده بود، رها شود. اما این رونق نتوانست تاریخ بنگاه‌داری را از اعداد و ارقام دور کند. تاریخ فرهنگی به دقت تولید نموده‌ها را از پذیرش آنها متمایز کرد. این تاریخ نشان داد که «فرایند پذیرش، فرایندی منفعل نیست، بلکه انتخابی و قابل‌تغییر و خلاق است. چنین تحلیلی در انتقال تمرکز بسیاری از تاریخ‌های بنگاه‌داری از تولیدکننده به توزیع‌کننده و مشتری نقش داشت». ستاوردو دیگر تاریخ فرهنگی این بود که اهمیت توجه به گذشته جوامع را در حالی زنده کنند که «رسانه‌ها همواره از شرکت‌ها به‌سان سازندگان آینده یاد می‌کنند». مفروض رویکرد فرهنگی این است که «بنگاه‌داری را باید بخشی از علم اقتصاد در پیچیده‌ترین تعاملش با اطلاعات و دانش بررسی کرد». به زعم هواداران تاریخ فرهنگی، مشکل برخلاف تصور رایج، «تنها ناظر بر محدودیت‌ها نیست، بلکه بر سر ظرفیتی است. اطلاعات نیست، بلکه بر سر ظرفیتی است.



داستان زندگی ۱۵۰ مدیر و کارمند شرکت خودروسازی فورد که مورخی توسط مورخی آمریکایی به نام آلن نوینز رویدادی راهکشا بود» اما حس استقلالی را که محققان در تاریخ بنگاه‌داری انتظار داشتند، آلفرددی. چندلر با کتاب راهبرد و ساختار در سال ۱۹۶۲ به این رشته تاریخ بنگاه‌داری داد. «نظریه‌های چندلر به مورخان بنگاه‌داری در کشورهای دیگر کمک کرد تا از مطالعات موردی جداگانه فاصله بگیرند و به موضوعات مهم‌تری برسند. اصرار وی بر اهمیت رشد اقتصادی در ساخت بنگاه‌های بزرگ‌مقیاس که به صورت مدیریتی اداره می‌شوند، مضامینی در اختیار محققان بسیاری از کشورها گذاشت که بر مبنای آن می‌توانند مباحث بین‌المللی و همچنین تحقیقات خود را سازماندهی کنند».

۱-۳) بازگشت کنشگران؛ از تصمیم‌گیران تا راهبردها

تاریخ‌نگاری بنگاه‌داری تا دهه ۱۹۷۰ تحت تأثیر رویکرد کلان و ساختارگرایانه بود، اما بعد از شکست این رویکردها، مورخان بنگاه‌داری آماده روند جدیدی بودند که اغلب به آن بازگشت کنشگران گفته می‌شود. در این رویکرد تأکید بر روی تصمیم و راهبرد بود. اما تصمیم نه به معنای کشمکش میان کنشگران آزاد و داوطلب، بلکه نوعی فرایند بود که زنجیره‌ای از بازتاب‌ها، طرح‌ها، تضادها و سازش‌ها را در خود حمل می‌کرد. از آن سو راهبرد بیانگر «تعیین اهداف بلندمدت و بنیادی یک شرکت، اتخاذ اهداف عملی و تخصیص منابع ضروری است.

تاریخ بنگاه‌داری: اشکال بنگاه‌داری در ادوار تاریخ

۱) تاریخ تاریخ بنگاه‌داری

۱-۱) ظهور یک رشته، به مدد یک مدرسه

تاریخ بنگاه‌داری، همچون رشته‌ای تخصصی، در قالب حرفه تاریخ متولد نشد. این رشته در سال ۱۹۲۷ در مدرسه تاریخ هاروارد در ایالات متحده پدیدار شد. دو بنیان‌گذار این رشته در ایالات متحده، ادوین افگی و ان‌اس بی‌گراس بودند. گراس اولین کرسی تحصیلی در تایخ بنگاه‌داری را کسب کرد. مقاله گراس توجه مکتب اتال را به خود جلب کرد؛ تا جایی که مارک بلوک در سال ۱۹۲۹ با گراس تماس گرفت و به او تأسیس مجله «آنال آمریکایی» را پیشنهاد کرد. این مورخ آمریکایی تحت عنوانی فروتنانه با نام «بنگاه‌داری و تاریخ بنگاه‌داری» پیشنهاد کرد این رشته فرعی نوپا باید در جهان گسترش یابد و دانش تاریخی را غنی کند. گراس شاگرد گی بود اما راهی متفاوت از استاد پیش گرفت. گی که «متخصص تاریخ اقتصادی بود، باور داشت که هدف تاریخ بنگاه‌داری باید درکی ترکیبی از توسعه اقتصاد باشد» اما گراس «به‌سان متفکری استقرایی باور داشت که رفتار بنگاه‌داری را باید فی‌نفسه مطالعه کرد».

۱-۲) چندلر و تولد استقلال یک رشته
اگرچه رشد تاریخ بنگاه‌داری در دهه ۱۹۵۰ به شکل تاریخ شفاهی صورت گرفت و «گردآوری

محدود و گسترده یا هم ارتباط دارند و این رشته را غنی می‌کنند. کتاب در بخش اول به مباحث نظری و رویکردهای روش‌شناختی اصلی در تاریخ بنگاه‌داری، در بخش دوم به اشکال مختلف سازمان‌های بنگاه‌دار و کارایی اقتصادی و موفقیت بنگاه‌ها در بافت و زمان‌های مختلف، در بخش سوم برخی فعالیت‌های کارکردی کلیدی شرکت‌های بنگاه‌دار و در بخش چهارم، رابطه متغیر بنگاه‌ها با بافت‌های گسترده سیاسی و فرهنگی و اجتماعی بررسی می‌شود.

